

فراخوان جبهه ملی ایران چه باید کرد؟

به دادن بیانیه با امضاءهای افراد ناهمگون اقدام می‌کنند، به ایجاد تشکل که مهم‌ترین عامل اثرگذاری در جامعه است لطمه می‌زند و راه خطا می‌پیمایند و به مردم آدرس غلط می‌دهند. فراخوان‌های نستجیده و حساب‌نشده و بی‌منطق، توسط کسانی که مورد وثوق مردم نیستند، با عدم پاسخ مردم مواجه می‌شود و نتیجه‌ای جز ضربه زدن به جنبش ملی به بار نمی‌آورد. باید هوشیار بود و دانست که این‌گونه تحركات، هدفی غیر از ناامید ساختن مردم و صدمه زدن و کم‌رنگ کردن فراخوان‌های مؤثر را دنبال نمی‌کند. معتقدان به استقلال و آزادی و عدالت و حفظ تمامیت ارضی باید در همه‌جا، در فامیل و خانواده، در اداره، در مدرسه، در دانشگاه، در کارخانه، در بازار، در هر شهر و شهرک و محله‌ای یکدیگر را یافته و با ایجاد تشکل‌های مردمی با هم در ارتباط قرار گیرند و رویدادهای سیاسی کشور را زیر نظر قرار دهند. بر اساس این باور و این نگرش، جبهه ملی ایران اکنون پیشنهاد ایجاد هسته‌های تشکیلاتی این سازمان را در سراسر کشور و حتی در بین ایرانیان خارج از کشور با هم‌وطنان عزیز در میان می‌گذارد. جبهه ملی ایران که هفتادسال قبل توسط رهبر بزرگ و تاریخ‌ساز ملت ایران، دکتر محمد مصدق به‌صورت رسمی و قانونی تأسیس شده و تداوم‌یافته است، با پایبندی به اصول اعتقادی خود که شامل حفظ تمامیت ارضی، برقراری آزادی و حاکمیت ملی بر مبنای رأی آزاد مردم ایران در نظام جمهوری، استقلال و عدالت اجتماعی و جدایی دین از حکومت و حفاظت از محیط‌زیست کشور است و مبارزات سیاسی خشونت‌پرهیز و مسالمت‌آمیز را راه درست تغییر در وضعیت کشور و عبور از بحران‌ها می‌شناسد، همگان را به این تشکل دعوت می‌نماید. نیروهای علاقه‌مند به جبهه ملی ایران باید در همه‌جا با متمرکز شدن در هسته‌های تشکیلاتی، در دیدارهای منظم و در زمان‌های معین با هم در ارتباط قرار گرفته و آنگاه به پیکر تشکیلات اصلی جبهه ملی ایران مرتبط شوند. جبهه ملی ایران هم‌چنین از تمام احزاب و اصناف و جمعیت‌ها و سازمان‌های سیاسی ملی و وطن‌خواه دعوت می‌نماید که در این شرایط حساس و تاریخی کشور به صفوف جبهه ملی ایران بپیوندند. ما باید خواسته‌های تاریخی ملت ایران را که از بیش از یک قرن پیش و با انقلاب مشروطیت آغاز گشته و هیچ‌گاه به سرانجام بادوامی نرسیده، جامه عمل ببوشانیم و در سایه استقرار حاکمیت ملی و به دست آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی به توسعه و پیشرفت و اعتلای وطن عزیزمان، ایران دست یابیم.

رانت‌خواری و تجاوز به اموال عمومی و فسادهای گوناگون، صاحب ثروت‌های نجومی و افسانه‌ای و باورنکردنی شده‌اند، در صورتی که اکثریت بزرگی از هم‌وطنان ما از ابتدایی‌ترین امکانات و ضروری‌ترین ملزومات یک زندگی عادی مانند داشتن کار، مسکن، درمان و واکسیناسیون در مقابل ویروسی که دنیا را گرفتار کرده است و آموزش قابل‌قبول و حتی از لباس و غذای مناسب محروم‌اند و ندانم‌کاری‌ها و سوء مدیریت‌ها حتی شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی کشور را نیز به هم ریخته است. گرانی سرسام‌آور و تورم افسارگسیخته، فقر و بیکاری، اعتیاد و مفساد اجتماعی گوناگون، جان مردم ایران را به لب رسانده است. علاوه بر پایمال شدن حقوق و آزادی‌های ملت ایران، سوء سیاست‌ها و اشتباهات فاحش در سیاست خارجی، وطن‌مان را در معرض تهدیدات جدی و در آستانه فروپاشی و بحران موجودیت قرار داده است. و در چنین شرایطی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی مشغول اجرای برنامه انتخابات فرمایشی و کاملاً مهندسی‌شده ریاست جمهوری می‌باشد و هیچ اعتنایی به خواست مردم و اراده ملی ندارد. و از سوی دیگر قدرت‌های خارجی سلطه‌گر برای تأمین منافع غیرانسانی خود مشغول برنامه‌ریزی و آلترناتیو سازی و پرورش نیروهای دست‌نشانده خود برای تحمیل آنان به میهن ما هستند.

هم‌وطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران!

در این شرایط به‌شدت اسفبار و بحرانی چه می‌توان کرد و چه باید انجام داد؟ ما بر این باوریم که برای حفظ کبان ملی و عبور از ناملایمات و بحران‌های فزاینده و جلوگیری از ایجاد خشونت‌های شدیدتر و اغتشاشات اجتماعی ویرانگرتر، باید به تقویت جامعه مدنی و حمایت از تشکل‌ها و احزاب ملی و ایجاد سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های صنفی و محلی در جای‌جای میهن همت گماشت. زیرا که احزاب و سازمان‌های سیاسی نشئت‌گرفته از بطن و متن مردم و هم‌چنین جوامع مدنی ستون‌ها و پایه‌های دموکراسی و حاکمیت ملی در کشورند. همه باورمندان به‌ضرورت حفظ ایران و اعتلا و ارتقاء این سرزمین کهن‌سال ابا اجدادی باید دست‌به‌دست هم داده و برای ایجاد نیرویی کارساز و اثرگذار، متشکل و متحد شوند. و بنابراین، هرگونه خودمحوری و نفاق پراکنی و هرگونه انشعاب و انشقاقی در این شرایط، فاصله گرفتن از این هدف و مقصود مهم بوده و تنها موردنظر و خواست حکومت جمهوری اسلامی می‌باشد و باید با تأمل و تردید بسیار به آن نگرست. کسانی که به‌جای ایجاد تشکل و تقویت سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های مدنی

هم‌وطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران!
چهل‌وسه سال قبل ما ملت ایران، از هر قشر و طبقه‌ای و از هر صنف و دسته‌ای و از هر گروه و طرز تفکری، با فداکاری و از خودگذشتگی بسیار برای کسب آزادی و استقلال و عبور از استبداد و وابستگی به صحنه آمدمیم و توانستیم انقلاب بهمن ۵۷ را به پیروزی برسانیم. در آن هنگام همه امید داشتیم که با برقراری نظامی مردم‌سالار و یک جمهوری متکی به آرای مردم، بتوانیم بر سرنوشت خود حاکم شده و با امکانات مادی و معنوی و ظرفیت‌هایی که در اختیار داریم وطن خود را به جامعه‌ای آزاد و آباد و توسعه‌یافته و پیشرفته مبدل نماییم. همه ما «استقلال» و «آزادی» و «عدالت اجتماعی» را آرزو می‌کردیم و فریاد می‌زدیم. زیرا که توسعه و پیشرفت و اعتلای جوامع بشری در گرو تحقق همین سه کلمه است. اما با هزاران دریغ و افسوس پس از پیروزی انقلاب، رویدادهایی مانند اشغال سفارت آمریکا و جنگ عراق با ایران، برنامه‌ریزی و تدارک دیده شد که تحت تأثیر آن حوادث، عده‌ای قلیل با انحصارطلبی و اقتدارگرایی و با طرز تفکری دور از انتظارات و آرمان‌هایی که ملت ایران از انجام انقلاب در سر داشت، توانستند قدرت را قبضه کنند و همه عقاید و نظرات مردمی یعنی آزادی و استقلال و عدالت را به بوته فراموشی بسپارند، و در نتیجه خودمحوری و انحراف آنان از خواسته‌ها و اهداف مورد انتظار ملت ایران و در اثر برپایی ساختار قدرتی نوظهور و بی‌سابقه و دور از موازین دموکراسی، و بدون توضیح و توجیه قبلی آن برای ملت ایران و با برگزاری یک همه‌پرسی مهیم، کشورمان را در شرایط ناهنجار و مخاطره‌آمیز کنونی قرار داده‌اند. امروز به‌جای داشتن استقلال و سیاست مستقل ایرانی و عدم وابستگی به بلوک‌های قدرت، زیر نفوذ سیاست‌های بیگانه قرار گرفته‌ایم به‌ویژه زیر نفوذ دولت روسیه که فقط از کشور ما به‌عنوان «وجه‌المصلحت» در مناقشات منطقه‌ای و جهانی در مقابل رقبا استفاده می‌کند و در آخرین هنرنمایی‌اش، حقوق مسلم و قطعی ایران را در دریای مازندران پایمال می‌نماید. که گوشه‌هایی از رفتارهایش را در سخنان وزیر خارجه جمهوری اسلامی همگان شنیدند. و از طرف دیگر به قرارداد ۲۵ ساله با چین که بالاتر دید بتر و زبان‌بارتر از قرارداد مظفرالدین شاه قاجار با داری است، رسیده‌ایم، درحالی که با بقیه دنیا و تقریباً همه جهانیان در حال مخاصمه و منازعه هستیم. به‌جای تحصیل آزادی، گرفتار اختناق و استبدادی مهیب‌تر از رژیم دیکتاتوری سابق گردیده‌ایم. عدالت اجتماعی ما به‌جایی رسیده که گروه‌های زیادی از تازه به‌دوران رسیدگان، با

تخلفات و تبعیض قضایی

محاسبات کشور باید دست کم ۲۰ سال سابقه کار اداری داشته باشد، که او با همه رانت بازی‌هایش فاقد آن است. از دیگر سوی در آغاز امسال شاهد آن بودیم، که آقای قاضی ناصر سراج، رئیس پیشین سازمان بازرسی کل کشور، که پیش از این خبر تأیید نشده بازداشت او به اتهام جاسوسی منتشر شده بود، به دادستانی نظامی تهران منصوب گردید. و این در حالی است، که که دادستانی تهران اعلام کرده کیفرخواست ۱۰ مسئول متهم در پرونده سرنگونی پرواز پی اس ۷۵۲ صادر شده است. اما با گذشت بیش از ۱۵ ماه هنوز هویت این افراد پنهان نگه داشته شده است و گزارش منتشر شده در سه روز مانده به سال ۱۴۰۰، از سوی سازمان هواییمایی کشوری به باور دولت‌های اوکراین و کانادا و همچنین انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز ۷۵۲ چیزی جز تلاش برای انکار حقیقت نبود.

آقای محمود احمدی نژاد نیز در تکاپوی انکار گذشته و ایجاد رویکردی اپوزیسیونی قلابی به پوپولیسم و عوام فریبی خود سرعت بخشیده است، در صورتی که جز جنایات و تقلبات رخ داده به خاطر به قدرت رسیدن او، پرونده بسیاری از تخلفات مالی او هم چنان گشوده است، از جمله: در دولت احمدی نژاد ۸ فروند نفتکش غول پیکر ایران بدون امضای قرارداد حقوقی در اختیار یک تبعه یونانی قرار گرفت که وی با سوءاستفاده از موقعیت، هر ۸ فروند کشتی نفتکش را به همراه محموله‌های نفتی موجود در آن در اختیار گرفته و از حوزه جغرافیایی کشور خارج کرد. گم شدن ۸۷ میلیون دلار در خرید یک ذکل نفتی. سه صراف در سال ۹۰ با همکاری بانک مرکزی هفت هزار میلیارد تومان سود کرده‌اند. بورس ۸۸۹ تن (۸۴۰ تن از کسانی که از روش تبدیل خارج به داخل بورس شده بودند + [به اضافه] ۲۳ تن از اینترگرانی که شرایط مندرج در بخشنامه صادر شده برای این قشر را نداشتند + ۲۶ تن که به علل گوناگون از جمله عدم شروع تحصیل، انصراف و پرونده‌شان مختومه شده بود) مسلم شد که خارج از عرف قانونی بوده است. رویداد یک فساد مالی ۱۲ هزار میلیارد تومانی در شبکه بانکی کشور در دوران دولت احمدی نژاد از طریق ضمانت نامه‌های بانکی جعلی خبر دادند و گفتند که اقدامات قضایی صورت گرفته است. ناپدید شدن یکصدو بیست شش هزار تن چای. تخلف اداری و مالی ۳۲ میلیاردی در صندوق رفاه دانشجویی وزارت علوم. به گفته احمدی مقدم فرمانده پیشین نیروی انتظامی فرمانده سابق نیروی انتظامی، آقای احمدی نژاد مجوز فروش نفت را به نیروی انتظامی برای جبران کسری بودجه داده بود که پول آن هنوز به خزانه بازنگشته است. اختلاس هشت هزار میلیاردی صندوق فرهنگیان که قصه پر غصه دیگر است.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران، تخلف عیسی شریفی ۱۳۰۰ میلیارد تومان است که در سازمان قضایی نیروهای مسلح تحت بررسی است در حالیکه از نظر آقای حق شناس این یک تخلف اداری است و قائم مقام آقای قالیباف در یک جایگاه اداری مرتکب این تخلف شده است. اما قوه قضاییه اعلام کرده که وی علاوه بر اتهامات مالی به جاسوسی نیز متهم است. اما جایی اشاره نشده که وی برای کدام کشور جاسوسی می کرده است. وی همچنین به موضوع پرداخت رشوه به نماینده عضو کمیسیون عمران مجلس نیز وارد شده و گفته است که مبلغ ۶۵ میلیارد تومانی که آقای میرسلیم بدان اشاره کرده مربوط به بدهی برادر آقای ابوالفضل موسوی نماینده یزد در مجلس دهم است که آقای قالیباف در ازای فیصله یافتن تحقیق و تفحص مجلس دستور بخشودگی صادر کرده است.

از سوی دیگر آقای محمود میرلوحی رئیس کمیسیون اقتصادی شورای شهر تهران نیز اعلام کرده است که میزان املاک نجومی در دوره شهرداری آقای قالیباف از ۶۷۴ ملک به دو هزار ملک رسیده که چیزی در حدود سه هزار و ۸۰۰ واحد اداری، مسکونی و تجاری می‌شود. در این پرونده ذکر شده که املاک متعددی با ۵۰ درصد تخفیف و با اقساطی ۶۰ ماهه به اشخاص واگذار شده است. نکته قابل توجه آن که با هر دوی این افراد منتخب شورای شهر تهران برخورد قضایی صورت گرفت ولی آقای قالیباف حتی احضار هم نشد!

از دیگر سوی شاهد آن بودیم، که مجلس فرمایشی، آقای مهرداد بذرپاش، یکی از یاران پیشین آقای احمدی نژاد را به ریاست دیوان محاسبات کشور برگزید. او از ابتدای ورود به دانشگاه که نحوه آن نیز مورد سؤال است به عضویت بسیج دانشجویی درآمد و سپس سمت فرماندهی رسید. رسانه‌های مستقل به وضوح بر نقش وی به عنوان یک نیروی سرکوبگر در جریان اعتراضات دانشجویی به حکم اعدام مورخ ایرانی دکتر هاشم آقاچری تأکید کرده‌اند.

صرف نظر از حضور وی به عنوان یک عضو گروه فشار، مراحل رشد و ارتقای علمی وی نیز با تردیدهای بسیاری روبرو شده است. قدس آنلاین جایی که بعدها اعضای تحریریه روزنامه وطن امروز به صاحب امتیازی آقای مهرداد بذرپاش به آنجا کوچ کردند؛ در گزارشی به اعمال نفوذ وی برای کسب نمره علمی اشاره کرده و گفته است که وی در پاره‌ای از درس‌ها مردود شد اما با اعمال نفوذ در شورای آموزشی دانشگاه نمره قبولی کسب کرده است. وی همچنین با استفاده از رانت دولت نهم تا مقطع دکتری تحصیل کرده و سپس در جایگاه هیات علمی دانشگاه نیز قرار گرفته است! هم چنین طبق قانون، رئیس دیوان

آقای حمیدرضا ترقی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه، روز ۲۳ اسفند ۱۳۹۹ در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا به تخلفات ریاست پیشین قرارگاه خاتم‌الانبیا اشاره داشت و اگرچه چندی بعد از این گفته عقب‌نشینی کرد، اما سردار یدالله جوانی معاونت سیاسی سپاه در آغاز سال ۱۴۰۰ این مدعا را مورد تأیید و تأکید قرار داد. این در حالی است که نام ریاست پیشین قرارگاه خاتم‌الانبیاء برای کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری مطرح می‌شد و بر سر زبان‌ها بود.

آقای محمود صادقی نماینده پیشین مجلس به خاطر افزایش گفتگوش با یکی از شخصیت‌های نظامی جهت جلوگیری از اعمال خشونت در آبان ماه ۹۸ برای چندین بار مورد تعقیب قضایی قرار می‌گیرد اما از سوی دیگر شاهد آنیم که آقای روح‌الله ایزدخواه، نماینده تهران در مجلس، با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود خبر داد که نمایندگان مجلس هر کدام یک دستگاه خودروی دنایلاس اتومات با قیمت تحویل ۳۰۲ میلیون تومان و اقساط سه‌ساله دریافت خواهند کرد یعنی این نمایندگان ماشین مذکور را با نصف قیمت بازار، که ۶۰۰ میلیون تومان است، آن هم به صورت قسطی دریافت می‌کنند و هیچ تعقیب قضایی صورت نمی‌گیرد.

از دیگر سوی فاش شدن پرداخت رشوه‌های ۶۵ میلیارد تومانی از سوی آقای قالیباف به رئیس وقت کمیسیون عمران مجلس پرونده‌ای دیگر را از تخلفات سازمان‌یافته حاکمان گشود. فشارهای زیادی اعمال شد تا گزارش مربوط به تحقیق و تفحص مجلس درباره املاک نجومی در مجلس خوانده نشود. این دعوی را آقای مصطفی میرسلیم که ظاهراً از حاشیه امنی در نظام برخوردار است؛ علنی کرد. پرونده فساد املاک نجومی ابتدا از سوی آقای یاشار سلطانی، مدیر مسئول سایت معماری‌نیز افشا گردید. وی نامه‌ای از سازمان بازرسی کل کشور را در سایت خویش منتشر ساخت که نشان از یک تخلف ۲۲۰۰ میلیارد تومانی در شهرداری تهران داشت. پس از این افشاگری، این روزنامه‌نگار شجاع بازداشت و به زندان محکوم شد. اما پرونده مسیر خویش را طی کرد تا زمانی که آقای محمد علی نجفی شهردار تهران شد و گزارشی از تخلفات شهرداری تهران منتشر ساخت. گزارشی که سرانجام آن استعفای آقای نجفی از شهرداری تهران و بحران‌های متعاقب آن بود. اما آقای قالیباف علیرغم این پرونده سنگین نامزد انتخابات مجلس شد و صلاحیت وی از سوی شورای نگهبان به تأیید رسید.

دو عضو برجسته شورای شهر تهران جداگانه اعلام کرده‌اند که پرونده فساد مالی شهرداری تهران در دوره مدیریت آقای قالیباف جزییات بیشتری دارد. به گفته آقای محمد جواد حق شناس،

مسلمانان اویغور زیر ستم دولت چین

نصف جمعیت این شهر را تشکیل می‌دهند. نکته دردناک سکوت کشورهای اروپایی و حتی مسلمانان در برابر این جنایت هیتلرگونه است. پرسش اینجاست چرا برخی از نهادها که برای کشته شدن یک شهروند آمریکایی که البته محکوم است، فریاد دادخواهی سر داده‌اند در برابر این جنایت سازمان‌یافته سکوت برگزیده‌اند.

فرهنگی اویغورها را به شدت محدود ساخته است. مناطق اویغورها به‌طور بی‌ظنیری به نواحی تحت نظارت مبدل شده‌اند.

یینگ شهری در شمال غرب شین جیانگ است. این منطقه رسماً به نام «داره خودمختار منطقه اویغورها» یاد می‌شود. مسلمانان ترک اویغور با حدود ده میلیون جمعیت، تقریباً

بیش از ۱۰ میلیون مسلمانان اویغور در منطقه شین جیانگ در شمال غرب چین زندگی می‌کنند. چین با استفاده از روش‌های کاملاً غیرانسانی، به نسل کشی و تحدید و تهدید حقوق بشر و کنترل دیکتاتور مابانه و توتالیترستی در اردوگاه‌های بازآموزی، علیه این مردم فعالیت می‌کند. حکومت چین عملاً آزادی‌های مذهبی و حق فعالیت‌های

آزادی، دموکراسی و وحدت ملی

مسائل قومی و دینی و جنسی به مثابه شهروند می‌توانند در سرنوشت سیاسی به‌منظور دست یافتن به حقوق ملی خود مشارکت داشته باشند. به‌این ترتیب در یک جامعه دموکراتیک هیچ‌کس به سبب داشتن عقیده و دین و یا تعلق به جنسیت یا قومیتی خاص، از حقوقی بیش از دیگران برخوردار نیست. تنها با این روش و با این پیش می‌توان به اتحاد ملی دست یافت.

اتحاد ملی بر مبنای خواست و اراده خودمختار شهروندان جامعه سیاسی بر اساس حقوق برابر می‌تواند به پیشبرد سیاست دموکراتیک کمک نماید و به تدریج تبعیض‌ها و نابرابری‌ها را کاهش دهد. در پرتو اصول دموکراتیک و حقوق برابر شهروندی و حقوق فردی، هویت‌های قومی و محلی و مذهبی می‌توانند در حوزه مدنی و فرهنگی بدون مداخله حاکمیت سیاسی عقاید و افکار خود را به زبان و گویش دلخواه خود بیان و منتشر نمایند و به حیات فرهنگی خود ادامه دهند.

لازم به توضیح است که هر انسانی به‌عنوان فرد باید هم از حقوق فردی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر برخوردار باشد و هم در عرصه عمومی به‌عنوان شهروند باید از حقوق برابر شهروندی برخوردار شود.

به‌عنوان فرد باید از آزادی عقیده و دین و مذهب و انتخاب سبک زندگی و کسب‌وکار و مسائل مربوط به ذوق و سلیقه فردی بدون دخالت و مزاحمت دیگران بهره‌مند شود و به‌عنوان شهروند نیز باید از حقوق برابر در مشارکت سیاسی، حق انتخاب و نقد و آزادی بیان، حق رقابت برای تصاحب موقعیت سیاسی و سایر حقوق سیاسی و اجتماعی برابر، صرف‌نظر از دین و عقیده و جنسیت بهره‌مند شود؛ اما برخورداری و بهره‌مندی از حقوق بشر و حقوق شهروندی هم در مقام تحقق و تأسیس و هم در مقام حفظ و نگهداری آن در مقابل تجاوزات احتمالی قدرت سیاسی، همه مردم ایران از زن و مرد به یکسان مسئولیت دارند.

نتیجه اینکه بدون حقوق بشر دموکراسی فاقد معناست و تحقق نخواهد یافت. بدون وحدت ملی نیز هیچ‌یک از مردم ایران به حقوق فردی و اجتماعی و آزادی و استقلال و دموکراسی دست نخواهند یافت. پس برای تحقق دموکراسی و حقوق برابر و آزادی‌های سیاسی و مدنی و عدالت اجتماعی و دیگر مطالباتی که در پرتو آن‌ها محقق می‌شود، لازم است که همه مردم ایران از هر قوم و با هر دین و عقیده‌ای متحد شوند. لذا از آنجا که همه آحاد ملت بدون در نظر گرفتن زبان و قومیت و دین و عقیده و جنسیت، ابتدایه‌ساکنان واجد حقوق شهروندی برابرند، برای تحقق آن باید در احزاب سیاسی و صنوف اقتصادی و سندیکاهای کارگری و سایر نهادهای مدنی متحد شوند؛ زیرا احقاق حقوق فردی و اجتماعی مستلزم تعهد اجتماعی است. لذا همه ما مسئولیم که با تمام توان از این حقوق دفاع کنیم و برای تحقق آن بکوشیم.

افراد و حقوق خدشه‌ناپذیر آنان است که قدرت سیاسی حق هیچ‌گونه دخالتی در این حوزه را ندارد. اعتقادات و عقاید و ایمان دینی و غیردینی و انتخاب آنچه مربوط به علائق و سلاطین و اذواق افراد است از جمله این حقوق خودمختار افراد است. با این تفکر مدرن دموکراتیک، دیگر نمی‌توان در اعتقادات و سلاطین خصوصی افراد دخالت کرد و آن را به عرصه عمومی و حوزه مسائل شهروندی تعمیم داد و اقلیت و اکثریت قومی و دینی و... اعتقادی ساخت.

در عرصه عمومی افراد را که ممکن است در عرصه خصوصی دارای ایمان و عقاید متفاوت و به لحاظ مادی نابرابر باشند، باید به‌مثابه شهروندان برابر تلقی کرد. پس در عرصه عمومی افراد نابرابر دارای حقوق برابر هستند و باید با آنان به‌مثابه شهروندان جامعه سیاسی صرف‌نظر از دین و عقیده و جنسیت و قومیت و موقعیت و طبقه اجتماعی، رفتار برابر داشت. در جامعه متکثری مثل ایران که متشکل از اقوام و ادیان و مذاهب گوناگون است، آوردن مسائل قومی و دینی و جنسی به عرصه سیاسی و حقوق شهروندی بسیار خطرناک است و به رفتار نابرابر حاکمیت سیاسی با شهروندان منجر می‌شود.

رفتار نابرابر حاکمیت سیاسی با شهروندان به بهانه اقلیت و اکثریت قومی و دینی موجب محرومیت اقوام و اصحاب عقایدی می‌شود که اقلیت محسوب می‌شوند. لذا تکیه بر مسائل قومی و اعتقادی و دینی در عرصه سیاسی ناقض وحدت ملی و اصول دموکراسی است. این در حالی است که وحدت ملی بر مبنای حقوق برابر شهروندان جامعه سیاسی که یکی از پیش‌زمینه‌های دموکراسی است، قابل تحقق است. مردم ایران از هر قوم و طایفه‌ای و با هر دین و عقیده‌ای باید آگاه باشند که تکیه بر مسائل قومی و محلی و جدایی‌طلبی نه‌تنها به دموکراسی و تحقق حقوق شهروندی کمک نمی‌کند، بلکه بهانه‌ای برای توجیه تحکیم رژیم حاکم و سرکوب‌های حاکمیت اقتدارگرا، فراهم می‌کند.

در حوزه حاکمیت سیاسی و تشکیل دولت، برای استقرار دموکراسی، مشارکت مردم در این عرصه بدون دخالت مسائل و تفاوت‌های قومی و زبانی و فرهنگی و دینی و جنسی الزامی است. پاسداری از حقوق برابر شهروندی، مستلزم مسئولیت و نظارت عامه مردم است. برای اینکه این مشارکت توسط قدرت سیاسی توتالیتر بلوکه نشود و به شکلی پوپولیستی یا تبلیغات حکومتی به بسیج علیه دموکراسی تبدیل نشود، لازم است مردم در نهادهای دموکراتیکی مثل احزاب سیاسی، مطبوعات آزاد، انجمن‌های فرهنگی و صنوف مختلف متشکل شوند.

لذا برای استقرار دموکراسی وجود نهادهای دموکراتیک الزامی است. مردم با مشارکت در این نهادها می‌توانند در قدرت سیاسی مشارکت نمایند و بر حاکمان نظارت کنند. با این بینش و با حق و مسئولیت برابر شهروندان یک جامعه سیاسی، همه مردم کشور بدون در نظر گرفتن

بزرگ‌ترین عامل عقب‌ماندگی جامعه ایران استبداد دیر پای است که در طول تاریخ پر نشیب و فراز این کشور به اشکال و با نام‌های مختلف حکومت کرده است. این به آن مفهوم نیست که عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دخیل نبوده و تأثیر نداشته است. مسلماً خودکامگان از شرایط اجتماعی و امکانات اقتصادی و افکار و عقاید مردم به نفع خویش بهره‌برداری می‌کردند و بر آن‌ها نیز تأثیر می‌گذاردند.

حتی خودکامه‌ترین حکام به عوامل متعددی مثل پلیس مخفی و نیروهای سرکوب و تبلیغات و امکانات فرهنگی برای سرکوب و تحمیق مردم تحت سلطه نیازمند است. در دوران معاصر علیرغم رشد امکانات تکنولوژیک و اکتشافات منابعی مثل نفت و معادن مختلف، نه‌تنها زندگی مردم بهبود نیافت و منجر به توسعه اقتصادی و سیاسی نشد، بلکه تبدیل به ثروت و سرمایه‌های انحصاری حکام و بی‌نیازی بیشتر آن‌ها از مردم و سرکوب شدیدتر آنان شد. دوره پهلوی اول و دوم و جمهوری اسلامی نمادهای انکارناپذیر این واقعیت هستند.

برخی از متفکران و روشنفکران پست‌مدرن و مقلدین داخلی آن‌ها، با اشاره به استبداد حکومت‌های خاورمیانه و دولت‌های نفتی و فرهنگ متحجر حوزه‌های سنتی دینی، لیبرالیسم و دموکراسی را پدیده‌ای غربی می‌دانند که مناسب فرهنگ شرقی و ایرانی و عربی نیست و معتقدند که نوع حکومت با مرحله تمدنی که هر ملتی در آن قرار دارد سازگار است. جوامع شرقی و اسلامی که هنوز برای دموکراسی آمادگی ندارند، بهتر است که در همین وضعیت سیاسی موجود و حکومت‌های سلطانی و آریستوکرات و اولیگارشی که متناسب فرهنگ و تمدن آنان است، باقی بمانند.

بسیاری از سنت‌گرایان و خادمین سلاطین و اصحاب قدرت نیز با تمسک به تعصبات قومی و دینی خود معتقدند که هر جامعه‌ای فرهنگ ویژه و بومی دارد که برای نوعی از حکومت و قانون مناسب است که ممکن است لیبرالی باشد یا نباشد.

اصحاب قدرت برای توجیه خشونت‌های حکومت‌های مستبد و با تمسک به منطق پست‌مدرن می‌گویند؛ ما قانون و حقوق بشر خود را داریم که با حقوق بشر غربی متفاوت است.

چنین افکار و عقایدی جامعه را به خودی و غیرخودی، موافق و مخالف، اقلیت و اکثریت دینی و قومی تقسیم می‌کند و موجب نابرابری‌هایی می‌شود که ناقض حقوق شهروندی است؛ اما برخلاف این ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه، در جامعه سیاسی، طبق اصول دموکراسی چنین تقسیم‌بندی‌هایی محلی از اعراب ندارد و فاقد معنا است.

در دموکراسی جامعه، سه سطح و حوزه مجزا دارد. حوزه فردی و حقوق فردی و حقوق بشر که عرصه خصوصی

پروژه می‌خواهم ایران زمین
که هرکس که گوید تویی از کجا؟
وزیرروست بر وی ثناخوانی‌ام
دلیرانه گویم که ایرانی‌ام
استاد ادیب برومند

تروریسم در هر جا و توسط هر کس، عملی ضد انسانی بوده و محکوم است

شماری از انسان‌های بی دفاع گردد که هدف امیال ددمنشانه گروه‌های تروریستی قرار می‌گیرند. بنابراین فارغ از اینکه سود و زیان چنین عملیات وحشیانه‌ای نصیب چه کسانی می‌شود، ضروریست اقدامی عاجل از سوی جامعه جهانی و از طریق سازمان ملل متحد و زیر مجموعه‌های آن از قبیل کمیسیون حقوق بشر، سپاه صلح و سایر نهادهای ذریع عمل آید تا با پی بردن به انگیزه‌ها و اهداف نهایی از انجام چنین اقدامات تخریبی و ضد انسانی، دولت‌های درگیر را یاری دهند تا برنامه ریزان اصلی این عملیات ضدبشری را شناسایی و با بکارگیری ابزار لازم سیاسی، و اجرای سیاست‌های کاربردی مؤثر از قبیل انزوای سیاسی، برقراری تحریم‌ها منتج به انواع محرومیت‌ها و مانند آن، ادامه فعالیت آنها را به تدریج، اما بطور قطع و یقین، غیرممکن سازند. روزی که تروریسم ریشه کن شود بدون شک جهان مکان بهتری برای زیستن خواهد بود.

داغدار قربانیان این فاجعه اسفبار، اعلام می‌دارد. امید است مقامات قضایی هر چه سریع‌تر آمران و عاملان این جنایت را شناسایی و آنها را تحت پیگردهای لازم قانونی قرار دهند. بدون شک تداوم فعالیت‌های تروریستی، چه برادر کشی میان مسلمانان باشد و چه میان سایر اقشار جوامع بشری فارغ از نژاد، مذهب، و جنسیت، دارای عواقب ناھنجار خواهد بود که نه تنها دامنگیر نسل‌ها خواهد گردید بلکه تناقضی مأیوس‌کننده را آشکار خواهد ساخت حاکی از آنکه بشر در اوج پیشرفت‌های درخشان پسا-مدرن خود می‌تواند خصلت درندگی و بازگشت به بربریت را چنین بیرحمانه به نمایش بگذارد. این حقیقت تلخ در تاریخ بشر و بشریت به ثبت خواهد رسید و آیندگان نسل ما را به قضاوت خواهند نشست هم چنانکه ما با گذشتگان خود نموده‌ایم! دیروز کابل در خون غلطید، امروز تاتارستان روسیه، و فردا شاید نقطه‌ای دیگر شاهد قربانی شدن بی

حمله تروریستی چند روز قبل به مکتب «سیدالشهدا» در غرب کابل که منجر به کشته شدن بیش از ۸۵ دانش آموز دختر بیگناه و زخمی شدن بیش از صد تن گردید قلب جهان و جهانیان را بدر آورده است. این یکی از فجیع‌ترین اقدامات ضد بشری در کشور دوست و همسایه افغانستان بود که نه تنها در نفس خود مصداق بارز جنایت ضد بشری، و ضد ارزش‌های انسانی بوده، بلکه قربانیان خود را از میان قشری گرفته که معصوم‌ترین و مظلوم‌ترین انسان‌ها بوده‌اند. دانش آموزان دختری که با هزاران امید، و به رغم محرومیت‌های فراوان فردی و اجتماعی، قدم به مدرسه گذاشته تا با آموختن علم و حرفه و فن بتوانند فردای روشن‌تری را برای خود و میهن خویش رقم زنند. جبهه ملی ایران همراه با همه جامعه بشری این حمله تروریستی را شدیداً محکوم کرده و همدردی خود را با دولت و ملت سوگوار افغانستان، خصوصاً خانواده‌های

کودتا در میانمار

از یاد نرفته است، در آن زمان رفتار متناقض دستگاه‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی، موجب شگفتی گردید، مدعیان دفاع از مظلومان سراسر جهان که منافع ملی را بسیاری اوقات در این اقدامات نادیده می‌گیرند و حتی مداخله‌های نظامی به بهانه دفاع از مسلمانان در برخی نقاط انجام می‌دهند و موجب هزینه‌های سنگین از بیت المال مملکت می‌شوند، با «غیبت عمدی» از مشارکت در رأی دادن در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل به نفع قطعنامه‌ای که قویا جانب مسلمانان روهینگیا را گرفته بود، اعتبار و وجهه سیاسی ایران را مخدوش ساختند. هر چند غیبت جمهوری اسلامی در نتیجه آرای بالای که قطعنامه به دست آورد، اثری نداشت. قطعنامه با ۱۲۲ رأی مثبت، ۲۴ ممتنع و ۱۰ مخالف از تصویب گذشت. ولی نکته قابل توجه آن بود که متحدان دوست و برادر ایران، کشورهای روسیه، چین و سوریه از مخالفان قطعنامه بودند! طبیعی است چرا که هر سه کشور اتهامات از این دست دارند. جنایت علیه مسلمانان کرامه و ایغور از این زمره است.

میانمار آنها را مهاجران غیر قانونی می‌داند و از دادن تابعیت و حقوق شهروندی به روهینگایی‌ها خودداری می‌کند و بسیاری از آنها در طول چند دهه گذشته برای فرار از آزار و سرکوب ناچار به ترک وطن شده‌اند. در پی سرکوب سال ۲۰۱۷ در استان راخین نیز هزاران تن روهینگایی‌ها کشته شدند و بیش از ۷۰۰ هزار تن به بنگلادش فرار کردند. با این حال خانم سوچی سال ۲۰۱۹ در دیوان بین‌المللی کیفری ICJ ارتکاب نسل‌کشی از سوی ارتش میانمار را تکذیب و انکار کرد.

سازمان ملل در گذشته هم خواستار محاکمه ژنرال‌های میانمار در ارتباط با نسل‌کشی مسلمانان شده بود. هیات تحقیق سازمان ملل سال ۲۰۱۸ در گزارشی اعلام کرد ارتش میانمار با «قصدها نسل‌کشی» اقدام به کشتار جمعی و تجاوز گروهی به مسلمانان روهینگیا کرده و فرمانده کل ارتش و ۵ ژنرال ارتش میانمار باید مطابق قوانین بین‌المللی برای این جرائم سنگین محاکمه شوند.

این اولین بار بود که سازمان ملل آشکارا و به طور علنی خواستار محاکمه مقامات میانمار به اتهام نسل‌کشی در ارتباط با کارزار سرکوب مسلمانان روهینگیا شده است. کارشناسان سازمان ملل درخواست کردند که شورای امنیت سازمان ملل یک تحریم تسلیحاتی علیه میانمار اعمال کند و مقامات این کشور را مشمول تحریم‌های هدفمند قرار دهد و همچنین دادگاه ویژه‌ای برای محاکمه متهمان تشکیل داده و یا آنان را به دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه ارجاع دهد. کارشناسان سازمان ملل «آنگ سان سوچی» رهبر غیر نظامی میانمار و برنده جایزه صلح نوبل را به علت استفاده نکردن از جایگاه خود برای محافظت از غیر نظامیان مقصر دانستند. دولت سوچی با اجازه دادن به رشد نفرت پراکنی، نابود کردن اسناد و دفاع نکردن از اقلیت‌ها در برابر جرائم جنگی، «به ارتکاب جرائم بی‌رحمانه» کمک کرده است.

ارتش میانمار قریب ده سال پس از موافقت با انتقال قدرت به دولت غیرنظامی، دست به کودتا علیه دولت آنگ سان سوچی زد و ضمن اعلام وضعیت فوق‌العاده برای مدت یک سال، سوچی و سایر رهبران سیاسی را بازداشت کرد. میانمار که با نام برمه هم شناخته می‌شود مطابق قانون اساسی سال ۲۰۰۸ یک جمهوری با یک پارلمان است. در سال ۱۹۴۸ میانمار استقلال خود را از بریتانیا به دست آورد و در سال ۱۹۶۲ ژنرال «نو وین» با اجرای یک کودتا اقدام به تأسیس یک دولت نظامی سوسیالیست کرد. که البته این اقدام بدون دخالت و حمایت چین نبود. دهه ۱۹۷۰ میلادی میانمار صحنه اعتراضات عمدتاً دانشجویی بود که دولت نظامی آن‌ها را سرکوب می‌کرد. در پی اعتراضات و قیام سال ۱۹۸۸ دولت سقوط کرد اما حکومتی نظامی جایگزین آن شد. در سال ۲۰۱۵ حزب خانم آنگ سان سوچی برنده جایزه صلح نوبل در انتخابات پیروز شد و قدرت را در دست گرفت. در حالیکه ارتش همچنان قدرتمند باقی ماند.

کودتای اخیر ارتش و برکناری سوچی در حالی روی داد که شهرت و اعتبار بین‌المللی سوچی به علت سرکوب اقلیت مسلمانان روهینگیا و جنایات سنگین علیه مسلمانانی که هرگز اجازه شهروندی نگرفتند و افزون بر هزار کشته دادند، در این کشور تا حد زیادی لطمه خورده است.

«آنگ سان سوچی» حدود چهار سال پیش در دیدار با «خوزه مانوئل باروسو» رئیس وقت کمیسیون اروپا در پاسخ به نگرانی شدید او از خشونت‌های غیر انسانی و ضد بشری در میانمار به او گفت: «نمی‌تواند در حمایت از مسلمانان روهینگیا سخن بگوید.» و این در حالی بود که دو هفته قبل از این موضع‌گیری صدها تن کشته و مورد تعدی قرار گرفتند و بیش از ۱۰۰ هزار مسلمان آواره شدند و تمامی روستاها و ۴ شهر منطقه مسلمان نشین راخین به کلی سوخته و خاکستر شده بود.

پيام
تجهم‌ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: info@jebhemeliiran.org